

نقدی بر جایگزینی نرخ نسیه به جای نرخ بهره حسن نظری

چکیده

برخی از محققان اقتصاد اسلامی جهت فاصله گرفتن از نرخ بهره، نرخ نسیه را به عنوان بهترین جایگزین مطرح نموده‌اند. بی‌شک نرخ نسیه دو ویژگی معین بودن سود و قطعی بودن آن را، به همراه دارد و این دو ویژگی را در نرخ سود سرمایه بر اساس مشارکت به طور همزمان، شاید نتوان به آسانی مطرح نمود. این مقاله در راستای نقد جایگزینی نرخ نسیه به جای نرخ بهره می‌باشد.^۱

مقدمه: تفاوت قلمرو حقوق و اقتصاد

بی‌شک حقوق و اقتصاد دو قلمرو متفاوت دارند. حقوق چارچوب قانونی - حقوقی مطلق رفتارهای انسان و از جمله رفتار مالی او را معین می‌کند، ولی اقتصاد به چارچوب رفتار مالی ناظر نمی‌باشد، بلکه به محتوایی اقتصادی این چارچوب و قالب توجه دارد. بطور کلی در مورد رفتارهای مالی، سه نوع گزاره وجود دارد که می‌باید آنها را از یکدیگر تفکیک کرد.

۱ - گزاره‌های حقوق مالی

کسی که مال مباحی را حیازت کند، نسبت به آن حق اولویت دارد.
کسی که زمین موات را آباد نماید در مورد آن مالکیت دارد.
مالک می‌تواند مال خودش را با قرارداد صلح، خرید و فروش به صورت نقد یا نسیه،

۱. زیرا نرخ نسیه همانند دیگر نرخها دارای در جنبه حقوقی، اقتصادی است. ممکن است نرخ نسیه از جهت حقوقی جایگزین نرخ بهره شود ولی از جهت اقتصادی همین نرخ می‌تواند مشتق از نرخ بهره باشد. از این رو تجزیه و تحلیل مفاهیم حقوقی و تعیین جایگاه ویژه آنها ضرورت دارد تا اینکه تصور نشود از گزینه‌های حقوقی می‌توان راه حل اقتصادی انتظار داشت. مشکل اقتصادی راه حل اقتصادی می‌طلبد نه راه حل فقهی - حقوقی.

هبه، اجاره... به دیگری منتقل نماید. این نوع گزاره‌های فقهی - حقوقی دقیقاً هنجار و چارچوب فعالیت و رفتار انسان را در رابطه با مال تعیین می‌نماید و هیچگونه نگاهی به تعیین مقدار ارزش این مال بدست آمده از طریق آباد کردن یا مقدمات آباد کردن (تحجیر) یا قراردادهای انتقالی ندارد. فقیه و حقوق‌دان وظیفه دارد که اسباب و عوامل پیدایش حق اولویت، یا مالکیت، یا حق اختصاص انسان را نسبت به مال تعیین نماید، اما متعلق این حقوق چه مقدار قیمت دارد، در قلمرو کار او نمی‌باشد.

۲ - گزاره‌های مکتب اقتصادی

کار مفید انسان بر روی منابع طبیعی منشا درآمد است، کار منشا درآمد بصورت قطعی و غیر قطعی می‌باشد بکارگیری سرمایه نقدی در بخش واقعی اقتصاد منشا استحقاق سود است. این نوع گزاره‌ها مربوط به مکتب اقتصادی است و از نظر موضوع و محمول با گزاره‌های قسم اول تفاوت دارد.

۳ - گزاره‌های علم اقتصاد

مقدار ارزش درآمد کار بر روی ثروت طبیعی یا فعالیت تولیدی - خدماتی بر اساس قانون عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. مقدار درآمد جریان سرمایه نقدی در فعالیت‌های اقتصادی را می‌توانیم بازار معین می‌کند. مقدار مصرف هر انسان تابعی از درآمد قابل تصرف اوست. این نوع گزاره‌ها با گزاره‌های قسم اول و دوم، تفاوت اساسی دارد. در گزاره‌های مکتبی کار منشا درآمد است، اما چه مقدار درآمد را بیان نمی‌کند، ولی گزاره‌های قسم سوم چه مقدار را بیان می‌کند.

نکته اساسی این است که گزاره‌های قسم دوم دقیقاً قابل استنتاج از گزاره‌های قسم اول است، ولی گزاره‌های قسم سوم را نمی‌توان از گزاره‌های قسم اول یا دوم استنباط منطقی نمود، زیرا گزاره‌های حقوقی و مکتبی ناظر به چگونگی و کیفیت می‌باشند و گزاره‌های علمی ناظر بر کمیت و مقدارند، همچنانکه سؤال از چگونگی تعیین درآمد با سؤال از تعیین مقدار درآمد تفاوت جوهری دارند. جواب سؤال اول را مکتب اقتصادی می‌دهد و جواب سؤال دوم را می‌توانیم بازار (علم اقتصاد). با توجه به این مقدمه که در واقع اساس و مبنای نقد به حساب می‌آید، تعیین نرخ سود سرمایه از طریق نرخ نسبه با فروش اقساطی می‌باید مورد بررسی قرار گیرد.

تعیین نرخ سود سرمایه از طریق نرخ نسبه (فروش اقساطی)

برخی محققان اقتصاد اسلامی تلاش نموده‌اند که نرخ سود سرمایه را در

فعالیت‌های بخش واقعی اقتصاد (تولید کالا و خدمت) از طریق نرخ نسبه (فروش اقساطی) تعیین نمایند. گزیده‌ای از عبارات ایشان را مرور می‌نمایم.

«با توجه به لازم بودن معاملات نسبه و معلوم بودن قیمت نسبه کالا یا درآمد حاصل از مبادله آن در زمان انجام معامله، به نظر می‌رسد که این نرخ مطمئن‌ترین نرخ بازدهی می‌باشد که هر بنگاهی برای سرمایه خود می‌تواند پیش‌بینی کند در مقایسه با وقتی که سرمایه خود را به صورت مضاربه، مزارعه، یا عقود دیگر به مشارکت می‌گذارد. در عقود اخیر، فقط نسبت تقسیم درآمد در زمان انعقاد عقد قابل تعیین می‌باشد، ولی درآمد قابل وصول در همین زمان یا به تعبیر دیگر نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری، قابل تعیین نیست. به این لحاظ وقتی بنگاهی اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کند که پیش‌بینی کند نرخ بازدهی محتمل مشارکت مضاربه یا عقود دیگر از نرخ نسبه بیشتر است، وگرنه از مواجه شدن با خطرهای مشارکتهای یاد شده خودداری کرده و اقدام به استفاده از معاملات نسبه که نسبتاً کم‌خطر هستند می‌نماید. بدین جهت نرخ نسبه می‌تواند نقش شاخص را ایفاء کند که بر اساس آن فعالیت‌های مدت‌دار از قبیل سرمایه‌گذاری، پس‌انداز، بهره‌برداری از منابع انباره و روانه همچون معادن و جنگل‌ها و به طور خلاصه اختصاص سرمایه به فعالیت‌های گوناگون اقتصادی قابل توضیح می‌باشد»^۱. همچنین در مورد دیگر چنین تصریح می‌نماید «و چنانچه به تحلیل فیشر بازگردیم و نحوه پیدایش نرخ نسبه را در نظر بگیریم، می‌بینیم که این نرخ می‌تواند تمام تخصیص‌ها و اطلاعاتی را که نرخ بهره در یک اقتصاد ربوی ارائه می‌دهند، در یک اقتصاد بدون ربا مانند اقتصاد صدر اسلام نشان دهد»^۲ با توجه به دو عبارت نقل شده، بطور واضح می‌توان فهمید که نویسنده نرخ نسبه را جایگزین نرخ بهره معرفی می‌نماید. در واقع با صراحت تمام تأکید دارد که از جهت شاخص سرمایه‌گذاری و غیره، نرخ نسبه مناسبترین جایگزین نرخ بهره می‌باشد. بر همین اساس برخی دیگر از محققان مسائل بانکداری بدون ربا، نرخ نسبه را مبنای سود ثابت سپرده‌های پس‌انداز به حساب آورده و چنین راه‌حل ارائه می‌دهند.

«افراد با مراجعه به بانک، بخشی از وجوه مازاد بر نیاز خود را به صورت عقد وکالت در بانک سپرده‌گذاری می‌کنند و به بانک وکالت می‌دهند تا وجوه آنان را به همراه دیگر وجوه حاصل از سپرده پس‌انداز (به صورت مشاع) فقط از طریق عقود با بازده ثابت

۱. صدر، سید کاظم، مقاله ربا، نرخ بهره، نرخ نسبه، ص ۱۳، دومین مجمع بررسی‌های اقتصاد اسلامی، شهریور ۱۳۶۹. همچنین مراجعه شود به کتاب اقتصاد صدر اسلام، ص ۲۸۵، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵.

۲. صدر، سید کاظم، اقتصاد صدر اسلام، صفحه ۲۸۹، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۵، همچنین جهت توضیح بیشتر مراجعه شود به فصل یازدهم همین کتاب صفحه ۲۷۳

(فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک و خرید دین) به جریان انداخته، سود مشخص و ثابتی را برای آنان به دست آورد.

بانک هر ساله با مطالعه کشش بازار درباره نرخ نسیه و نرخ تنزیل و ظرفیت معامله، نرخ مشخصی را برای تسهیلات اعطایی از طریق معاملات نسیه، اجاره به شرط تملیک و خرید دین اعلام می‌کند: سپس با توجه به توان مدیریتی خود، چند درصد از آن را کم کرده، مابقی را برای صاحبان سپرده اعلام می‌کند؛ در نتیجه، سپرده‌گذار به بانک وکالت می‌دهد تا سپرده او را از طریق معاملات مذکور به جریان انداخته، از سود حاصل، درصد مشخصی را به صاحب سپرده بپردازد و بقیه را بانک به صورت حق‌الوکاله، بردارد.^۱

بنابراین دیدگاه، مشکل تعیین نرخ سود سرمایه در فعالیتهای تولیدی و خدماتی بر اساس نرخ نسیه، حل می‌شود و هر سپرده‌گذاری در شبکه بانکی می‌تواند از سود ثابت و از قبل تعیین شده اطلاع کسب نماید و بر اساس آن تصمیم بگیرد.

دو ویژگی نرخ نسیه

نرخ بهره از دو ویژگی تعیین بهره قطعی در بازار عرضه و تقاضای پول و تضمین اصل وام برخوردار است. بر همین اساس بانکهای ربوی بدون هیچگونه دغدغهای، نرخ بهره وام را هم برای تجهیز منابع پولی و هم برای تخصیص آنها به کار می‌گیرند. نرخ نسیه نیز (فروش اقساطی) دقیقاً از جهت تعیین و قطعیت سود و تضمین معادل کالای فروخته شده، مشابه نرخ بهره می‌باشد، زیرا در فروش اقساطی، معادل کالای فروخته شده، با ضمانت معاوضی و سود فروش مدت‌دار کالا قطعیت پیدا می‌کند. بر همین اساس فعالیت بانکها در چارچوب عقود بازدهی ثابت (مانند فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک) رشد چشمگیر داشته و از $35/8$ درصد در سال 1363 به رقمی حدود $60/3$ درصد رسیده است.^۲ البته دو ویژگی نرخ نسیه از جهت تعیین سود قطعی و ضمانت معادل سرمایه بدین معنا نیست که نرخ نسیه همان نرخ بهره می‌باشد، زیرا نرخ نسیه می‌تواند از نرخ بهره فاصله بگیرد همچنانکه در صدر اسلام چنین بوده است و در شرایط فعلی هم اگر بازار نسیه مستقل از بازار بهره باشد می‌توان گفت که شاخص مستقلی جهت برآورد سود سرمایه به حساب می‌آید. به دیگر تعبیر نرخ نسیه اگر مستقل

۱. فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال دوم، شماره ۷، مقاله حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای موسویان، ص ۶۶.

۲. جهت توضیح بیشتر مراجعه به جدول شماره (۱ و ۲) پیوست مقاله نمایید.

باشد، وابسته به سود بخش واقعی اقتصاد در قلمرو تولید کالا و خدمات می‌باشد، ولی نرخ بهره بازار مستقلاً از بخش واقعی اقتصاد در قلمرو فوق است. از این رو بهره در بازار پول شکل می‌گیرد ولی نرخ نسیه و سود آن می‌تواند مربوط به بخش واقعی اقتصاد باشد.

نقد و ارزیابی

خرید و فروش به صورت نسیه دقیقاً یک قالب و چهارچوب فقهی - حقوقی است. این چهارچوب معین نمی‌کند که نرخ نسیه از کجا شکل گرفته است. اصولاً یک چهارچوب فقهی - حقوقی مبادله نگاه عام به تعیین چهارچوب آن دارد اما در این چهارچوب شما به چه نرخ می‌خواهید مبادله را انجام دهید و این نرخ از کجا مشتق شده است، هیچ‌گونه نگاهی ندارد. نرخ نسیه می‌تواند مشتق از بازار مستقل نسیه باشد همچنانکه در صدر اسلام چنین بوده است در آن زمان نرخ بهره مسلط بر بازار مسلمین نبوده و بازار بهره با بازار نسیه، دو بازار مستقل و بدون ارتباط با یکدیگر بوده است، همچنین نرخ نسیه می‌تواند از نرخ سود سرمایه مشتق شود. سرمایه در بخش واقعی اقتصاد - تولید کالا و خدمت - در مدت معین هر میزان که سود داشته باشد می‌تواند مبنا و پایه برای تعیین نرخ نسیه شود همچنانکه نرخ نسیه می‌تواند مشتق از نرخ بهره شود. نرخ بهره هر دوره زمانی مبنای تعیین نرخ نسیه قرار می‌گیرد. بنابراین نرخ نسیه از سه منشأ می‌تواند سرچشمه بگیرد.

۱- نرخ نسیه در بازار مستقل بدون اشتقاق از نرخ سود سرمایه و بدون اشتقاق از نرخ بهره.

۲- نرخ نسیه مشتق از نرخ سود سرمایه در بخش واقعی اقتصاد.

۳- نرخ نسیه مشتق از بهره.

در واقع هر یک از این سه مبنا می‌تواند در واقعیت خارجی نرخ نسیه و فروش اقساطی را تعیین نماید.

اکنون جانمایه نقد این است که در واقعیت روابط اقتصادی جامعه ایران نرخ فروش اقساطی بر اساس نرخ بهره تعیین می‌شود. هر کالایی که به صورت مدت‌دار فروخته می‌شود تعیین نرخ آن بر اساس نرخ بهره تعیین می‌گردد. بگونه‌ای که اگر دو ماه بعد از فروش اقساطی تمام اقساط نقد بشود باز هم به مدت دو ماه نرخ آن کالا بر اساس نرخ بهره تعیین می‌شود. تعیین جریمه تأخیر بازپرداخت هم که بانکها عمل می‌کنند، بر اساس نرخ بهره انجام می‌پذیرد. مبلغ اجاره خانه که با پیش‌پرداخت پول نقد کاهش پیدا

می‌کند بر اساس نرخ بهره، کاهش مال الاجاره تعیین می‌گردد. هیچ موردی از خرید و فروش مدت دار نمی‌توان پیدا نمود که عرضه و تقاضا مستقلاً همانند بازار خرید و فروش نقد نرخ آن را معین کند، بلکه نرخ نسیه دقیقاً مشتق از نرخ بهره است. اینجاست که این مبادلات از جهت چارچوب فقهی اشکال ندارد ولی از جهت اقتصادی غیر از نرخ بهره هیچ ملاک مستقل دیگری هم جهت تعیین نرخ نسیه به کار گرفته نمی‌شود.

بنابراین هیچ فقیه و حقوق‌دانی نمی‌تواند بر خرید و فروش به صورت نسیه که نرخ آن مشتق و تابع نرخ بهره است خرده بگیرد و یا حکم به بطلان آن نماید. همچنانکه هیچ اقتصاددانی هم نمی‌تواند قبول کند که چنین نرخ نسیه‌ای که مشتق از بهره است، با بازار بهره فاصله دارد. اینجاست که باید گفت مشکل اقتصادی را نباید بر فقه عرضه کرد و راه حل فقهی برای آن جستجو نمود، بلکه مشکل اقتصادی راه حل اقتصادی می‌طلبد و بس. راه حل فقهی در قالب نرخ نسیه مشتق از نرخ بهره نظیر راه حل مشکل تورم از طریق تغییر موضوع پول از نظر فقهی است. تغییر موضوع پول از جهت فقهی به اینکه گفته شود موضوع و مقوم پول، ارزش رسمی آن نیست بلکه ارزش واقعی است، و آنگاه فتوا داده شود که اگر در شرایط تورمی صد تومان وام داده شد وام دهنده می‌تواند بعد از چند ماه صد و بیست تومان مطالبه نماید، و چنین تصور شود که با راه حل فقهی می‌توان مشکل اقتصادی تورم را حل نمود. چنین تصوراتی نه تنها مشکل تورم را حل نمی‌نماید بلکه آن را تشدید هم می‌نماید. در جایگزینی نرخ نسیه به جای نرخ بهره و اندازه‌گیری نرخ سرمایه بر اساس نرخ نسیه و همچنین تعیین سود ثابت سپرده‌های بانکی بر اساس نرخ فروش اقساطی در تصورات و مفاهیم حقوقی فاصله از ربا و بهره دارد، ولی از جهت اقتصادی نرخ بهره فرمان می‌دهد که نرخ نسیه را چگونه و چه مقدار باید تعیین کنید. باز هم تأکید می‌شود بحث از جهت فقهی، حقوقی، قانونی نمی‌باشد. دقیقاً بحث این است که آیا نرخ نسیه خود بازار مستقلی دارد و فرمان تعیین را خود در دست دارد یا اینکه نرخ نسیه در جامعه اقتصادی و روابط عینی دادوستدها، تابعی از نرخ بهره و اشتقاق یافته از آن است. در روابط عینی حیات اقتصادی جامعه نرخ بهره مستقل و نرخ نسیه بر اساس آن تعیین، و اشتقاق یافته از آن می‌باشد. اگر نرخ نسیه بازار مستقلی می‌داشت همانند صدر اسلام و اشتقاق یافته از نرخ بهره نبود، می‌توانست جایگزین نرخ بهره شود همچنانکه می‌توانست شاخص تعیین نرخ سود سرمایه به حساب آید.

راه حل اساسی

تعیین نرخ سود سرمایه به گونه‌ای که فاصله از نرخ بهره داشته باشد، از طریق

نرخ نسیه در شرایط فعلی اقتصاد جامعه ما، ممکن نیست بلکه باید از بازار بورس سهام استفاده کرد بازار بورس سهام را ابتداء باید شفاف نمود، تا اینکه بتواند سود واقعی را منعکس نماید. آنگاه بر اساس آن نرخ سود سرمایه را تعیین نمود و شاخص بازدهی سرمایه را در دیگر نهادهای مالی به کار گرفت. توضیح بیشتر این راه‌حل را باید به جای مناسب خود واگذار نمود.

خلاصه مقاله

برخی از محققان اقتصاد اسلامی جهت فاصله گرفتن از نرخ بهره، نرخ نسیه را به عنوان بهترین جایگزین مطرح نموده‌اند. بی‌شک نرخ نسیه دو ویژگی معین بودن سود و قطعی بودن آن را، به همراه دارد و این دو ویژگی را در نرخ سود سرمایه به طور همزمان شاید نتوان به آسانی مطرح نمود. این مقاله در راستای نقد جایگزینی نرخ نسیه به جای نرخ بهره می‌باشد. و چون این نوع نقد و ارزیابی پیشینه‌ای ندارد منابعی هم وجود ندارد که در آخر آن بتوان معرفی نمود. لذا این نوشتار مقاله‌ای است نه مانند دیگر مقالاتی که از منابع تعریف شده، استفاده نموده است بلکه تجزیه و تحلیل مفاهیم و گزینه‌های حقوقی و تعیین جایگاه ویژه آنهاست. از آنها نباید راه‌حل اقتصادی انتظار داشت زیرا مشکل اقتصادی راه‌حل اقتصادی می‌طلبد نه راه‌حل فقهی - حقوقی.

والسلام

قم - موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه

گروه اقتصاد - حسن نظری

جدول شماره ۱: ترکیب مانده تسهیلات اعطایی جدید بانکها به بخش غیر دولتی* در پایان سال

درصد	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۶۸	۱۳۶۷	۱۳۶۶	۱۳۶۵	۱۳۶۴	۱۳۶۳	نوع هیات
۵۶/۷	۵۶/۵	۵۶/۰	۵۶/۰	۵۶/۰	۵۶/۰	۵۶/۰	۵۶/۰	۵۶/۰	۵۶/۰	۵۶/۰	۵۶/۰	۵۶/۰	۵۶/۰	۵۶/۰	۵۶/۰	۵۶/۰	قرض تسهیلات
۱۰/۳	۹/۷	۹/۷	۹/۶	۹/۶	۹/۶	۹/۶	۹/۶	۹/۶	۹/۶	۹/۶	۹/۶	۹/۶	۹/۶	۹/۶	۹/۶	۹/۶	مشارکت دولتی
۶/۳	۶	۶/۴	۶/۴	۶/۴	۶/۴	۶/۴	۶/۴	۶/۴	۶/۴	۶/۴	۶/۴	۶/۴	۶/۴	۶/۴	۶/۴	۶/۴	مضایه
۱/۷	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴	جماعه
۶/۷	۶/۷	۶/۷	۶/۷	۶/۷	۶/۷	۶/۷	۶/۷	۶/۷	۶/۷	۶/۷	۶/۷	۶/۷	۶/۷	۶/۷	۶/۷	۶/۷	مشارکت تلف
۷/۷	۷/۷	۷/۷	۷/۷	۷/۷	۷/۷	۷/۷	۷/۷	۷/۷	۷/۷	۷/۷	۷/۷	۷/۷	۷/۷	۷/۷	۷/۷	۷/۷	مشارکت حقوقی
۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	قرض الحسنه
۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	اجاره به شرط تملیک
۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	سرمایه گذاری مستقیم
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	خرید دین
۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	۷/۶	سایر

* شامل انواع موضوع معاملات به جز اموال اجاره به شرط تملیک می باشد.

** شامل مطالبات معوق و سررسید گذشته می باشد.

مأخذ: ویژه نامه یازدهمین سمینار بانکداری اسلامی مؤسسه عالی بانکداری ایران - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ص ۳۰۴

جدول شماره ۲: سهم هر یک از گروه های چهارگانه تسهیلات اعطایی بانکها به بخش غیردولتی

گروه تسهیلات	نوع تسهیلات	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰
۱ - عقود مشارکتی	مشارکت مدنی	۱۵	۱۳۲۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰
	مشارکت حقوقی	۳۱۶	۳۱۶	۶۱۶	۷۱۱	۷۱۱	۵۱۸	۲۱۶	۲۱۶	۲۱۶	۲۱۶	۲۱۶	۲۱۶	۲۱۶	۲۱۶	۲۱۶	۲۱۶	۲۱۶	۲۱۶
	مضاربه	۱۸۵۵	۵۵۹۶	۱۵۵۵	۱۷۱۶	۱۱	۱۰۸۷	۱۰۸۷	۱۰۸۷	۱۰۸۷	۱۰۸۷	۱۰۸۷	۱۰۸۷	۱۰۸۷	۱۰۸۷	۱۰۸۷	۱۰۸۷	۱۰۸۷	۱۰۸۷
۲ - عقود با بازدهی ثابت	جمع گروه	۳۷۷۱	۶۶۴۶	۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶
	فروش اقساطی	۳۳	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶
	اجاره به شرکت	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸
۳ - عقود با بازدهی متغیر	تملیک جمع گروه	۳۵۸	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶
	سلف	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶
	جماله	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸	۱۱۸
قرض الحسنه	جمع گروه	۲	۲۱۶	۵۱۳	۵۱۳	۵۱۳	۵۱۳	۵۱۳	۵۱۳	۵۱۳	۵۱۳	۵۱۳	۵۱۳	۵۱۳	۵۱۳	۵۱۳	۵۱۳	۵۱۳	۵۱۳
	قرض الحسنه	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۱/۶	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۰/۸
	استخراج شده از جدول شماره ۱																		

درصد